

## چین؛ طرفدار یک سیاست خارجی مستقل

است. دولت چین در اتخاذ تدابیر فوق عوامل مهمی از جمله روند مصرف ذغال سنگ به عنوان یکی از منابع تأمین انرژی اولیه در کشور تا میزان ۶۴ درصد کل انرژی مورد مصرف کشور، و طراحی‌هایی نیز برای ذخیره‌سازی نفت برای شرایط اضطراری و در هنگام کاهش عرضه نفت در نظر گرفته شده است و این کشور تلاش زیادی کرده تا خود را با بازارهای جهانی انرژی مرتبط سازد، به طوری که از سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی برای فعالیت در بخش بالا دستی انرژی کشور استقبال می‌کند.

این کشور پر جمعیت جهان در طول سه دهه گذشته، از رشد اقتصادی بسیار سریعی برخوردار بوده است. تولید ناخالص داخلی آن از سال ۱۹۷۱ تا ۲۰۰۵ از رشدی معادل ۸/۲ درصد برخوردار بوده است که با مقداری معادل ۴/۹ هزار میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰، چین را به عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان پس از ایالات متحده آمریکا معرفی کرده است. با ورود چین به سازمان تجارت جهانی در اواخر سال ۲۰۰۱، انتظار می‌رود که در آینده نزدیک این کشور در زمره ده کشور اول جهان در تجارت بین‌المللی به شمار رود.

چین به عنوان دومین کشور عمده مصرف‌کننده انرژی جهان، همواره نقش کلیدی و مهمی را در بازار انرژی جهان ایفا کرده است و از نظر تولید انرژی پس از آمریکا و روسیه در جایگاه سوم قرار داشته است. اگر چه در ده سال گذشته استفاده از انرژی‌های نو در چین رشد سریعی یافته است با این حال واردات نفت این کشور نیز از رشد بالایی برخوردار بوده است. این کشور مصرف‌کننده عمده بیوماس و سوخت‌های سنتی در جهان به شمار می‌رود.

چین از نظر مصرف ذغال سنگ به عنوان مهم‌ترین منبع تأمین انرژی در جهان در مقام اول جای دارد و ۳۱ درصد ذغال سنگ مصرفی جهان را در سال ۲۰۰۳ به خود اختصاص داده است. ذغال سنگ حدود ۶۴/۵ درصد نیاز چین را به انرژی تأمین می‌نماید و تقریباً ۹۰ درصد انرژی مصرفی در بخش الکتریسیته به ذغال سنگ اختصاص داشته است.

در این میان نفت با ۲۴/۵ درصد و پس از ذغال سنگ دومین منبع مهم انرژی مورد نیاز چین بوده و گاز طبیعی و برق نیز تقریباً به ترتیب به ۳/۱ و ۹/۷ درصد انرژی مصرفی چین را در بر گرفته است. با اینکه مصرف ذغال سنگ در این کشور بسیار بالاست ولی تکنولوژی سوخت این ماده انرژی را در چین کارا نیست، به همین دلیل در سال ۲۰۰۰، حجمی بالغ بر ۱۴ درصد انتشار گاز آلاینده گازکربنیک به این کشور اختصاص داشت که حدود ۳ میلیارد تن را در برمی‌گرفت به طوری که از نظر میزان آلاینده‌گی پس از ایالات متحده در ردیف دوم قرار دارد.

چین از نظر برخورداری از ذخایر انرژی، کشور ثروتمندی است، به طوری که در ابتدای سال ۲۰۰۴، دارای ذخایر قابل ملاحظه ذغال سنگ معادل ۱۱۴/۵ میلیارد تن (۱۱/۶ درصد کل ذخایر ذغال سنگ جهان)، ۱/۸ تریلیون متر مکعب ذخایر اثبات شده گاز (یک درصد مجموع ذخایر اثبات شده گاز جهان) و ۷/۲۳ میلیارد بشکه نفت خام (۲/۱ درصد مجموع ذخایر اثبات شده نفت خام جهان) را داراست. اما مشکل چین در این زمینه عدم توزیع مناسب ذخایر در سطح کشور و نواحی مورد نیاز است، به طوری که بخش عظیمی از ذخایر گاز و ذغال سنگ در بخش‌های شرقی و شمال غرب چین واقع شده‌اند، در حالی که مهم‌ترین نواحی مصرف‌کننده انرژی در کشور در بخش‌های شرقی و جنوب یا سواحل آن در دریای چین قرار دارند که انتقال انرژی مورد نیاز از مبادی تولید به مقاصد مصرف، سرمایه‌گذاری بسیاری را طلب می‌کند.

چین پر جمعیت‌ترین کشور جهان با جمعیتی معادل ۱/۳ میلیارد نفر ۲۰ درصد جمعیت جهان، در سه دهه گذشته ۵ دوره تحول اقتصادی و ده برنامه عمرانی را پشت سر گذاشته است. که در بیشتر دوره‌ها رشد تولید ناخالص داخلی آن از مقدار برنامه پیشی گرفته و کشور را از تحولات عمده‌ای برخوردار کرده است.

مهم‌ترین اقدام دولت در این راستا اتخاذ سیاست درهای باز، آزادسازی اقتصاد با حفظ مالکیت دولت، رها شدن از سیستم «مدیریت سنتی» و جداسازی مالکیت از مدیریت در واحدهای تولیدی بوده است و برای ورود به سازمان تجارت جهانی ۱۲۸ نوع کالا را از سال ۲۰۰۱ آزاد کرده است. چین در سیاست خارجی خود طرفدار یک سیاست خارجی مستقل مشتمل بر اصول احترام متقابل به حق حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها، عدم تجاوز و تعرض دو جانبه، عدم دخالت در هیچ یک از امور داخلی کشورها، حفظ مساوات و حقوق و منافع طرفین و ایجاد صلح و ثبات برای توسعه روابط سیاسی، اقتصادی و مبادله فرهنگی با سایر کشورها، مقابله با سیاست‌های امپریالیستی و سلطه‌جویی و استعمار طلبی، حمایت از کشورهای در حال توسعه برای پیروزی ملت آنها در کسب استقلال و توسعه اقتصادی ملی. بالاخره تلاش در جهت حفظ و صیانت از صلح جهانی و تقویت جنبش‌های حق طلبانه حقوق بشر در سراسر جهان است.

چین بعد از ایالات متحده آمریکا، از نظر مصرف انرژی مقام دوم را در جهان داراست. در این کشور ذغال سنگ مهم‌ترین منبع انرژی به شمار می‌رود که از نظر تولید و مصرف آن در جهان بیشترین مقدار را به خود اختصاص داده است. به علت افزایش تقاضای نفت در دو دهه گذشته، این کشور یکی از مؤثرترین کشورها در بازار نفت جهان به شمار می‌رود. اقتصاد چین در سال‌های اخیر از بیشترین رشد برخوردار بوده است، چین دارای اقتصاد مختلط (ترکیبی از شرکت‌های دولتی و خصوصی) و جذب سرمایه‌گذاری خارجی است.

بخش انرژی چین توسط سه سازمان دولتی اداره می‌شود. اولین بخش که مربوط به سطح وزارتی است فعالیت‌های بسیار متمرکز در امور انرژی هسته‌ای و نفت را در دست دارد و پس از آن وزرای انرژی و شرکت‌های تابعه دولتی هستند که در بخش‌های برق و ذغال سنگ فعالیت می‌کنند. سومین مرکز دولتی اداره‌کننده در بخش انرژی چین، کمیسیون برنامه‌ریزی دولتی است که مسوولیت تصویب پروژه‌ها، تخصیص بودجه و تأمین منابع مالی را به عهده دارد. علاوه بر آن کمیسیون‌های تجارت و اقتصادی دولت و علوم و تکنولوژی نیز در مجموعه بخش انرژی و توسعه آن قرار می‌گیرند و در نهایت شرکت ملی سرمایه‌گذاری انرژی چین مسوولیت سرمایه‌گذاری در خارج از کشور را بر عهده دارد. دولت چین برای ارتقاء سطح توسعه در نقاط مختلف کشور، سیاست‌هایی را اتخاذ کرده که در برنامه‌های پنج ساله خود آنها را برای هر یک از بخش‌های اقتصادی کشور به کمک وضع قوانین و مقررات خاص لحاظ کرده است. اهداف عمده برنامه پنج ساله (۲۰۰۵ - ۲۰۱۰) چین عبارت بودند از:

تنوع بخشیدن در مصرف حامل‌های مختلف انرژی،  
افزایش امنیت انرژی،  
افزایش کارایی و شدت انرژی،  
بهبود ساختار عرضه و تقاضای انرژی،  
افزایش فعالیت در وضع قوانین و مقررات لازم در حمایت از حفظ محیط زیست.

در زمینه تنوع بخشیدن به مصرف انرژی، تلاش برای توسعه مصرف گاز و دیگر انرژی‌های تجدیدپذیر و نیز توسعه انرژی هسته‌ای مد نظر قرار گرفته